

جنگ نرم رسانه ای و استراتژی امنیتی - سیاسی دولت ها

غفار زارعی^۱، محمد کریمیان^۲

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، گروه علوم سیاسی، لامرد، ایران. (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران

چکیده

هسته مرکزی روابط بین الملل مربوط به حوزه جنگ، تهدید به جنگ و راهبردهای پدافندی علیه آن است. از این رو، بحث جنگ و اشکال متنوع آن بر محیط بین المللی سایه افکننده و عناصر و مفاهیمی همچون «امنیت» را تحت تأثیر قرار داده است. امروزه کاربرد جنگ، تنها به استفاده از ابزارهایی با ابعاد سخت و ملموس محدود نیست، بلکه ابزارهای کاربردی جدیدی وارد محیط عملیاتی شده‌اند که دارای ماهیتی نرم افزارانه و تأثیرگذاری بیشتر هستند. یکی از ابزارهایی که امروزه در زمان جنگ و حتی پیش از آن به کمک استراتژیست‌ها و جنگ‌سالاران آمده است، نظام رسانه است. رسانه‌ها به مثابه یک تیغ دو لبه‌اند که از یک سو با بُعد مثبت و ایجابی کارویژه‌هایی همچون اطلاع‌رسانی، آگاهی و آموزش‌های مدنی را تسهیل می‌کنند، و از سوی دیگر با بعد سلبی در جنگ نرم رسانه‌ای و جنگ‌های نوین بین‌المللی برای بحران‌سازی، تنش و تفوق بر اذهان و تسخیر قلب‌های ملت‌ها با رویکرد سیاسی به کار می‌روند. با ورود به عصر "امپریالیسم رسانه‌ای" و "هژمونی کارتل‌های رسانه‌ای"، بر اهمیت رسانه‌ها در دستیابی به اهداف، دوجندان افزوده شده است و این توانایی رو به پیشرفت با اهداف نظامی همنشین شده است و بُعدی جدید از جنگ را تحت لوای "مدیاوار" یا جنگ رسانه‌ای پدید آورده است.

واژه‌های کلیدی: جنگ نرم، جنگ رسانه‌ای، رویکرد امنیتی سیاسی.

مقدمه

رهیافت تقابل گرا و خشونت محور با محوریت اقدامات نظامی سخت افزارانه در پیچیدگی های نظام بین الملل، جای خود را به رویکرد نرم افزاری و جنگ نرم داده است. جنگ نرم رسانه ای، موثرترین، کارآمدترین، کم هزینه ترین، خطرناک ترین و پیچیده ترین نوع تهدید علیه ارزش ها و امنیت ملی یک کشور است. موثرتر است؛ چون می توان با کمترین هزینه، با حذف لشکرکشی و از بین بردن مقاومت های طیف شناسی جنگ، بر مبنای «ابزار و روش تحمیل اراده» است. بر مبنای این شاخص جنگ، شامل جنگ نرم و جنگ سخت است. این نوع تفکیک ابتدا در مورد تفکیک قدرت، به قدرت نرم و سخت، از سوی جوزف نای انجام شده، و سپس در دهه ی اخیر از سوی اندیشمندان تکامل یافته است (مرادیان، ۱۳۹۰). مفهوم قدرت نرم^۱ نخستین بار توسط ژوزف نای با الگوگیری از قیام مردم در انقلاب اسلامی ایران، تئوریزه و در سال ۱۹۹۰ مطرح شد (نای، ۱۹۹۰) و خیلی زود این تقسیم بندی قدرت به سخت^۲ و نرم^۳، وارد حوزه مطالعات جنگ شد و جنگ ها را بر اساس مبنای ابزار و روش تحمیل اراده به جنگ سخت و جنگ نرم تقسیم کردند (نائینی، ۱۳۸۹). رویکرد جنگ نرم در سیاست های نظام امنیتی معاصر برخاسته از ملاحظات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و مشاهدات تاریخی نیز بر اهمیت آن تأکید دارد. به طور اصولی هر نوع اقدام در حوزه تأمین منافع ملی که با چالش های منطقه ای و بین المللی همراه است، مستلزم متقاعد نمودن افکار عمومی داخل و خارج از کشور است (متقی دستنایی، ۱۳۸۹). به طور معمول، دستیابی به نتیجه موفقیت آمیز در یک جنگ، مستلزم حمایت افکار عمومی جهانی و کشور در حال جنگ است، تا دولت های حاضر در نبرد بتوانند به اقدام نظامی خود مشروعیت و مقبولیت بخشند. در چنین شرایطی است که اهمیت عوامل منتقل کننده وقایع نبرد به افکار عمومی، که همان رسانه ها اعم از دیداری و شنیداری هستند، به مراتب بیشتر می شود. تسلیحات نظامی، تنها پنجاه درصد موفقیت در جنگ های جدید را تأمین می کنند و پنجاه درصد دیگر آن، از سوی جنگ نرم تأمین می شود، که بخش عمده آن توسط رسانه های مختلف اجرا می شود (مقدم و جمالی، ۱۳۸۹). رسانه های گروهی و انتقال اطلاعات از جمله مفاهیم نزدیک به یکدیگر می باشند که ارتباطات جمعی را تبیین می نمایند. وسایل ارتباطات جمعی وسیله ای برای گسترش و برقراری ارتباطات انسانی می باشند. هدف از وسایل ارتباط جمعی جریان انتقال و برقراری ارتباط بین حوزه عمومی و حوزه قدرت سیاسی است. این پروسه در علم ارتباطات به ارتباط جمعی تعبیر می گردد. وسیله ارتباطی جمعی، وسیله ای است که مورد توجه جمعیت کثیری می باشد (کازنو، ۱۳۷۸: ۳). وسایل ارتباط جمعی را در یک نگاه کلی به دو گروه تقسیم می نمایند: یکی وسایل چاپی و نوشتاری مانند روزنامه، مجله و کتاب... و دیگری وسایل سمعی و بصری مثل رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت می باشد. در میان این وسایل سه وسیله ارتباط سیاسی یعنی تلویزیون، رادیو و روزنامه بیشتر مورد توجه سیاستمداران و ارتباط گران سیاسی است (روحانی، ۱۳۸۶: ۱۰). وسایل ارتباط جمعی منبع گردآوری و توزیع اطلاعات در حوزه های مختلف اجتماعی می باشند. دایره وسیع گردش اطلاعاتی آنها سبب شده است که موضوع کیفیت اطلاع رسانی و برتر بودن اهداف و فعالیت رسانه ای آنها مورد توجه صاحب نظران قرار بگیرد. عملکرد رسانه ها در شرایط کنونی با توجه به تغییر کارکردها و نقش های کنونی رسانه از نقش های مسالمت آمیز به رویکردهای خصمانه و جنگ طلبانه، به تهدیدی جدی برای کشورها تبدیل شده است. بسیاری از دولت های غربی به خصوص امریکا، از رسانه ها به عنوان ابزاری جنگی برای به کرسی نشاندن منویات و مقاصد خود بهره برداری می کنند. به عبارتی، تهدیدهای دنیای امروز، تهدیدهای رسانه ای است که به جنگ افزاری پر قدرت برای تحت استیلاء در آوردن کشورها تبدیل شده است. در این میان، کشوری برنده میدان خواهد بود که هم ساز و برگ تبلیغاتی و اطلاع رسانی بزرگتر و پیشرفته تری را فراهم کرده باشد

^۱ Soft Power

^۲ Hard

^۳ Soft

(آمدگی سخت‌افزاری) و هم در زمینه ارتباطات و متقاعدسازی و تولید فرهنگی، خبری، هنری و تبلیغاتی جلوتر از رقیبان خود حرکت کند (نقیب‌السادات، ۱۳۸۹).

پیشینه و رویکردها

جنگ نرم از چه قدمت و پیشینه‌ای برخوردار است؟ محققان و مولفان نه چندان زیادی در پی ارائه‌ی پاسخی متقن به این پرسش مهم بر آمده‌اند. در این زمینه دیدگاه‌ها و رویکردهای گوناگونی شکل گرفته است که به طور مختصر به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود (ضابط پور و قریبی، ۱۳۹۰). گروهی جنگ نرم را پدیده‌ای بسیار پر قدمت می‌دانند. اینان بر این باورند که بروز و ظهور پدیده‌ی جنگ نرم، همزاد شکل‌گیری اجتماعی و حکومت‌هاست. ملتون و همکارانش در این گروه جای می‌گیرند. سران حکومت‌ها از دیربازی پی‌آن بوده‌اند تا با بهره‌گیری از ساز و کارهای غیر نظامی (غیرسخت)، قدرت رقبا و دشمنان خویش را محدود سازند و اراده‌ی خویش را بر آنان تحمیل نمایند. اصطلاح قدرت نرم مولود ادبیات لیبرالیستی در جامعه آمریکا است. البته این لیبرالیسم با لیبرالیسم مورد نظر در منازعات سیاسی داخلی متفاوت است. لیبرالیسم در نظریه‌های روابط بین‌الملل به مکتبی اطلاق می‌شود که در پی آن است که همکاری و همسازی را جایگزین تعارض و منازعه، چه در عرصه نظر و چه در عرصه عمل کند. ریشه‌های نظری بحث قدرت نرم را می‌توان در نظریه «آنتونی گرامشی»^۴ و «هژمونی»^۵ و «چهره سوم قدرت»^۶ استیون لوکس جستجو کرد (قهرمانپور، ۱۳۸۹: ۱۵۰). برای مقابله با جنگ نرم باید راهبردهای اصلی دشمنان را شناسایی و متناسب با هر یک راهبردهایی را تنظیم نمود. جنگ نرم در حقیقت در پی انحراف اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کند و یا بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی ایجاد کند. (بیگلر، مرادیان، ۱۳۹۱) اهمیت رسانه‌های گروهی در جنگ نرم دارای اهمیت زیادی می‌باشد. معمولاً وسایل ارتباط جمعی می‌بایست برحسب اهداف، رسالت و علایق رسانه‌ای در حوزه اطلاع‌رسانی به‌گزینش، دسته‌بندی و اولویت در اخبار و تحلیل سیاسی مبادرت نماید. برخی از صاحب‌نظران مانند ویلبرشرام^۷، به آن صافی می‌گویند. برخی دیگر مفهوم گزینش را به کار می‌برند و کرت لوین^۸ مفهوم دروازه بان^۹ را به کار می‌برد (بروجردی علوی، ۱۳۸۰: ۶۲).

نافرمانی مدنی و جنگ نرم

گروهی دیگر از نویسندگان، از رساله‌ی «نافرمانی مدنی» هنری دیوید ثرو به عنوان یکی از نخستین آثار مربوط به جنگ نرم یاد می‌کنند. ثرو این اثر را در قرن نوزدهم تالیف نموده است. وی معتقد است که یکی از اثر بخش‌ترین روش‌های مقابله با حکومت و تغییر رفتار، «نافرمانی مدنی» است. منظور او از نافرمانی مدنی اقدامی است که شهروندان جامعه با اتکا بر ابزارهای مسالمت‌آمیز، در برابر هنجارهای موجود، انجام می‌دهند. اقدام متکی بر نافرمانی مدنی در درجه‌ی اول باید «غیر خشونت‌آمیز» باشد. در درجه‌ی دوم مسئولیت چنین اقدامی باید از سوی اقدام‌کنندگان پذیرفته شود. در درجه‌ی سوم نیز چنین اقدامی باید محدود باشد و بدیل‌های سازنده‌ای ارائه دهد. حال این پرسش مطرح است که «نافرمانی» چه زمانی «جنگ نرم تلقی می‌شود؟ برخی مولفان، در پی پاسخ به این پرسش برآمده‌اند. به گمان آنان نافرمانی مدنی برای نظام حاکم نوعی تهدید

⁴ Antonio Gramsci.

⁵ Hegemony

⁶ Steven Lukes

⁷ Willber Schramm.

⁸ Lewin.

⁹ gatekeepers.

و جنگ است. آنها در تایید ادعای خویش بر چند نکته تاکید ویژه می نمایند: نخست اینکه، هر نوع نافرمانی موجب نقض هنجارها و نظم حاکم می شود. دوم، افراد با شرکت در تجمع های اعتراض آمیز به سبب عواملی همچون «از دست دادن هویت فردی»، «پخش مسئولیت»، «احساس گمنامی» و «برانگیختگی تکانش ورزانه»، قادر به کنترل کنش های مخرب و رفتارهای آزارگرانه ی خود نیستند. به همین سبب آنان آشکارا قوانین را نقض می کنند، اموال عمومی را تخریب می نمایند، با ماموران حکومتی درگیر می شوند و ارزش های بنیادی جامعه را مورد تاخت و تاز قرار می دهند. سوم اینکه، بسیاری از حزب ها و دسته های درگیر در فرآیند نافرمانی مدنی، مخالف نظام حاکم بر جامعه خویش بوده و در پی آن هستند تا «به تدریج» مردم را با خود همراه سازند و حکومت را «گام به گام» وادار به عقب نشینی نمایند. چهارم اینکه، شواهدی وجود دارد که نشان می دهد بسیاری از کنش های اعتراض آمیز و نافرمانی مدنی کشورها، از سوی کشورهای دشمن یا رقیب آنها «مدیریت» می شود. بنابراین، تلقی نافرمانی مدنی به عنوان نوعی جنگ نرم، که دامنه قدرت و میزان اقتدار حکومت را تقلیل می دهد و کارآمدی و مشروعیت الگوی سیاسی موجود را به چالش می کشد، تلقی درستی به نظر می رسد؛ ولی این برداشت را می توان شیوه ای از جنگ نرم برای براندازی یک نظام سیاسی به شمار آورد. به عبارتی این برداشت از جنگ نرم، به بعد سیاسی تعبیر می شود و سایر ابعاد جنگ نرم را در بر نمی گیرد (متقی دستنایی، ۱۳۹۲).

انقلاب های رنگی و جنگ نرم

انقلاب مخملی یا انقلاب رنگی یکی از شیوه های براندازی و جنگ نرم است که نوعی دگرگونی و جابجایی قدرت، همراه با مبارزه منفی و نافرمانی مدنی را شامل می شود. انقلاب های رنگی و مخملی در جوامع پساکمونیستی در اروپای مرکزی، شرقی و آسیای مرکزی اتفاق افتاد و بخش عمده ای از تحولات سیاسی سالهای اخیر در حوزه شوروی سابق و از جمله در آسیای مرکزی و قفقاز را تحت تاثیر خود قرار داده است. نکته ای که توجه فراوانی به این موضوع را معطوف کرده، تلاشی است که از سوی غرب به ویژه آمریکا برای تبدیل آن به الگوی تغییر ساختار سیاسی در کشورهای در حال گذار، مخالف و معارض انجام می شود. نوع دگرگونی و تغییر ساختارهای سیاسی که از آن با نام انقلاب های رنگین یاد می شود، دارای ویژگی مشترکی در علت ها و شکل تحول است. همگی آنها (به جز قرقیزستان) بدون استفاده از ابزارهای خشونت آمیز و با راهپیمایی خیابانی به پیروزی رسیدند. تلقی از انقلاب های رنگین به عنوان نوعی جنگ نرم، مانند نظریه ی نافن کرمانی مدنی، که دامنه ی قدرت، میزان کارآمدی، مشروعیت و اعتبار حکومت را کاهش می دهد. و الگوی سیاسی موجود و نظام مستقر را به چالش می کشد، به عنوان الگویی برای براندازی نرم، تلقی درستی به نظر می رسد؛ ولی در این برداشت، جنگ نرم محدود به جنگ نرم سیاسی، از راه سازمان دهی حرکت های اعتراضی خواهد شد و این برداشت از جامعیت لازم برخوردار نیست و همه ی ابعاد جنگ نرم را در بر نمی گیرد (مقدم، جمالی، ۱۳۹۲). هدف اصلی و نهایی تهدیدات نرم علیه یک کشور براندازی نرم است. براندازی نرم اقداماتی بدون خشونت و با دخالت مستقیم یا غیرمستقیم بیگانگان، جهت دگرگونی نظام سیاسی حاکم یا نخبگان اجرایی در یک کشور است. براندازی نرم در اصطلاح به معنای اجرای برنامه حساب شده مسالمت آمیز و درازمدت برای نفوذ در ارکان سیاسی یک نظام به منظور تغییر نظام سیاسی یک کشور و با ایجاد تغییر و تحول اساسی در باورهای اصلی آن است (شعیب، ۱۳۸۹: ۵۲).

ویژگی های جنگ نرم

برای شناخت هر پدیده، بهتر است ویژگی های متمایز کننده آن پدیده شمرده شود. ویژگی های زیر که ناظر بر نقاط افتراق جنگ سخت و نرم است، می تواند به شناخت جنگ نرم کمک کند.

۱. **ذهنی و غیر محسوس بودن:** جنگ نرم، بر خلاف جنگ سخت، از ماهیت انتزاعی و ذهنی برخوردار است. بنابراین تشخیص به موقع آن دشوار است، ولی جنگ سخت، محسوس و همراه با واکنش و برانگیختن است. در جنگ نرم، کشف بازیگران، آرایش و گسترش دشمن مشکل بوده و کمتر موجب برانگیختن و واکنش می شود.

۲. **تدریجی بودن:** جنگ نرم در یک فرآیند تدریجی، خزنده و آرام اعمال می شوند.

۳. **ابهام آمیز بودن:** عاملان جنگ نرم در پوشش دوست و به بهانه کمک به مخاطبان، اقدامات خویش را به سامان می رسانند. از این رو نه تنها توده های نافرهیخته بلکه برخی از نخبگان، اغلب در تشخیص و درک نیات آنان باز می مانند (نصیری و دیگران، ۱۳۹۰).

۴. **شمولیت و فراگیری:** جنگ سخت اغلب گروه محدودی از افراد جامعه -بیشتر نظامیان- را آماج قرار می دهد. در حالی که جنگ نرم بر همه گروه های جامعه تاثیر می گذارد.

۵. **برتری فرهنگی بر سایر ابعاد:** گرچه جنگ نرم همه ابعاد یک نظام، به ویژه سه بعد سیاسی، فرهنگی اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد، ولی بعد فرهنگی آن برجسته تر از سایر ابعاد است و با دگرگونی هویت فرهنگی، نظام سیاسی موجود ناکارآمد گردیده و زمینه های فروپاشی آن فراهم می شود.

۶. **اثرات عمیق:** جنگ سخت، جز در موارد محدود، اثرهای کوتاه مدتی بر جامعه هدف بر جای می گذارد، در حالی که اثرهای جنگ نرم، به ویژه در بعد فرهنگی، می تواند همیشگی باشد؛ چرا که ممکن است موجب تغییر ارزش ها و هنجارهای جامعه و شخصیت افراد گردد.

۷. **پیچیده بودن:** جنگ نرم، پیچیده، چند لایه و چند وجهی است. این جنگ لایه های شناختی، عاطفی، هیجانی، اجتماعی، معنوی، روانی، و حتی جسمانی مخاطبان را آماج قرار می دهد. از این رو تشخیص آن، کار دشواری است. جنگ نرم، محصول پردازش ذهنی نخبگان بوده و اندازه گیری آن مشکل است (محمدی، ۱۳۹۲).

۸. **عمدی بودن:** جنگ نرم با طرح و نقشه پیشین و همراه با خصومت و دشمنی به سامان می رسد. از این رو باید مصادیق جنگ نرم دشمن را که ناشی از ناکارآمدی و یا ضعف نظام است از آسیب های داخلی تفکیک نمود.

۹. **روش های غیر خشونت آمیز:** در جنگ سخت، با تخریب و حذف فیزیکی حریف و تصرف و اشغال سرزمین او اهداف، تامین و اراده تحمیل می شود؛ در حالی که در جنگ نرم با تاثیر گذاری بر انتخاب ها، فرآیند تصمیم گیری و الگوهای رفتاری و در نهایت با «روش های غیر خشونت آمیز» و تغییر هویت حریف، اراده بر او تحمیل می شود (جعفرپور، ۱۳۹۰).

شاخص های جنگ نرم

جنگ نرم اغلب معطوف به سه مؤلفه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جامعه هدف است. بنابراین با بهره گیری از یافته های محققان، می توان مهم ترین شاخص های جنگ نرم را به شرح مندرج در جدول زیر خلاصه کرد (نائینی، ۱۳۸۹):

جدول ۱. شاخص‌های جنگ نرم

ردیف	شاخص‌های فرهنگی	شاخص‌های اجتماعی	شاخص‌های سیاسی
۱	تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های پایه	از خود بیگانگی و بحران هویت	تغییر ترجیحات سیاسی
۲	تغییر الگوهای شناختی	کاهش انسجام اجتماعی	رواج بی‌تفاوتی سیاسی
۳	گرایش به الگوهای غربی	کاهش روحیه ملی	افزایش مطالبات سیاسی
۴	گرایش به رسانه‌های غربی	افزایش گسست ملی	افزایش واگرایی ملی
۵	رواج گرایش‌های خرافی	القای احساس ناامنی اجتماعی	آمادگی برای نافرمانی مدنی
۶	ترویج نسبی‌گرایی	تشدید آسیب‌های اجتماعی	رواج لیبرالیسم
۷	القای ناکارآمدی دین در جامعه	تغییر آداب و رسوم	بحران مشروعیت سیاسی
۸	کاهش خودباوری ملی	رواج فمینیسم	
۹	افزایش سلفی‌گری	افزایش بی‌اعتمادی عمومی	
۱۰	ترویج محصولات فرهنگی غرب	کاهش رضایت از زندگی	
۱۱	ترویج سبک زندگی غربی	رواج احساس تبعیض و بی‌عدالتی	رواج و نشر شایعه و شبهات سیاسی
۱۲	کاهش رفتارهای مذهبی	ترویج واگرایی قومی	افزایش تنش‌های سیاسی
۱۳	تغییر نگرش به پوشش	کاهش سرمایه‌های اجتماعی	کاهش اعتماد به رسانه ملی

مخاطبان جنگ نرم

جنگ نرم را می‌توان به لحاظ مخاطب به دو سطح دسته بندی نمود:

نخبگان و دولتمردان کشور: هدف این سطح از جنگ نرم، راهبردی است و به سطح نخبگان فکری و سیاسی کشور باز می‌گردد و بالاترین سطح رویارویی جنگ نرم تلقی می‌شود. هدف اصلی در این سطح، تضعیف و کاهش قدرت تاثیر گذاری و جریان سازی نخبگان در محیط داخلی و بین المللی است. به هر میزانی که بازیگران بتوانند در این سطح، قدرت نخبگان را کاهش دهند و یا آنها را با خود هماهنگ نمایند، امکان پیروزی بیشتری خواهند داشت (اندر و کاپور^{۱۰}، ۲۰۱۰). در این سطح

¹⁰ Adner., Kapoor

از جنگ نرم با مدیریت ادراک نخبگان، تلاش می شود تا برآوردها و شناخت نخبگان از پدیده ها دستکاری شود و یا با انجام عملیات روانی بر آنان، عزم و اراده ی آنان را دگرگون سازند. ملتون و دیگران بر این باورند که آماج های اصلی تغییرات بنیادی در جامعه، روشنفکران و تحصیل کردگان آن جامعه هستند. آنها در تایید ادعای خویش از اصول نظریه ی «ارتباطات مرحله ای» یاد می کنند. در این نظریه باور این است که حکومت و نهاد های سیاسی با بهره گیری از رسانه ها بر افراد تحصیل کرده و روشنفکر جامعه تاثیر می گذارند و آنان نیز با تبلیغات، روشنگری، آموزش و جز اینها بر توده های مردم تاثیر می گذارند و از آن راه، موجب شکل گیری افکار عمومی جامعه می شوند (ماه پیشانیان، ۱۳۸۹).

عدم تقارن در جنگ نرم

جنگ های کلاسیک، ماهیت متقارن دارند، به عبارتی در چنین شرایط و فضایی، منازعات در چارچوب مرزبندی های سازمان یافته انجام می شود، در حالی که جنگ نرم از یک سو دارای ماهیت نامتقارن است و از سوی دیگر، زمینه های لازم را برای گسترش نمادسازی فراهم می آورد. هرگاه شاخص های جنگ نرم در فضای اجتماعی و ساختاری ظهور یابد، طبیعی است که منازعه بین جامعه و ساختار سیاسی افزایش خواهد یافت. در چنین فضایی می توان تأکید داشت که نامتقارن سازی اشکال مبارزه اجتماعی در جنگ نرم دارای سطوحی مختلف است. این منازعه علاوه بر سطح ابزاری، در سطح نمادین نیز به چشم می خورد. بُعد نمادین جنگ نرم به برجسته سازی حقانیت طرف ذینفع مبادرت می کند. این اقدام، عنصری راهبردی در فرآیند منازعه به شمار می رود (فلمینگ و اسپنسر^{۱۱}، ۲۰۱۴).

هرگونه عدم تقارن، فضای جدیدی از رویارویی را شکل می دهد. از آنجا که نیروهای اجتماعی، فاقد قدرت برابر با ساختار سیاسی می باشند، به همین دلیل از اقداماتی متنوع بهره می گیرند که ماهیت نامتقارن دارند. پس هرگونه خشونت ساختاری، زمینه های ارتقای کنش نامتقارن مبتنی بر نافرمانی مسالمت آمیز را در فضای جنگ نرم افزایش می دهد. (متقی، ۱۳۸۸) جنگ نامتقارن می تواند سیاسی - استراتژیک، نظامی - استراتژیک، عملیاتی یا ترکیبی از آنها باشد. در این رویکرد، شیوه ها، فناوری ها، ارزش ها، سازمان ها، ابعاد زمانی یا ترکیبی از آنها مدنظر قرار می گیرد. نامتقارنی می تواند کوتاه مدت یا درازمدت، ماهرانه یا غیرماهرانه باشد. همچنین می تواند به صورت مستقل همراه با رویکردهای متقارن باشد (متز و جانسون، ۱۳۸۵).

به طور کلی، جنگ نامتقارن اغلب از دیدگاه فناورانه قابل تصور است. برای مثال در سند دیدگاه مشترک ۲۰۱۰ آمده است: «آزار دهنده ترین دشمن آینده ما ممکن است کسی باشد که بتواند با بهره گیری از فناوری های مختلف همچون فناوری رسانه ها، پیشرفت هایی سریع در قابلیت های نظامی خود به وجود آورد؛ قابلیت هایی که می توانند پاسخ های متقابل نامتقارن را در برابر نقاط قوت نظامی امکان پذیر سازند» (متیوز، ۱۳۸۵).

با این اوصاف، جنگ نرم در عصر حاضر، نمودی از جنگ نامتقارن به شمار می رود و با جنگ های کلاسیک و متقارن متفاوت است. برای به دست آوردن توفیق در این جنگ که بسیار پیچیده و دارای محورهای مختلفی است ابتدا باید ابعاد آن را به درستی شناسایی کرد و سپس با بستن راه های نفوذ دشمن با ابزارهای متناسب به مقابله پرداخت یا با کاستن از امکان نفوذ دشمن از میزان آسیب پذیری فرد و جامعه کاست (آقا داداشی، ۱۳۸۹).

نتایج به دست آمده از یک تحقیق کاربردی - تحلیلی انجام شده، محورهای مورد توجه رسانه های غربی در قبال ایران را به شش دسته تقسیم می کند:

¹¹ Fleming, P., & Spicer

۱- محور رسانه‌های غربی در زمینه سیاست داخلی

نا کارآمد نشان دادن نظام در اداره امور کشور؛ زیر سؤال بردن سیاست‌ها و عملکرد دولت و دولت‌مردان؛ بزرگ‌نمایی اختلافات میان جریان‌های سیاسی (تفرقه‌افکنی)؛ اختلاف‌افکنی میان اقوام و مذاهب؛ تلاش برای ایجاد فاصله میان دولت و ملت بر سر مسئله هسته‌ای؛ تلاش برای تأثیرگذاری بر مسائل و روند انتخابات؛ ایجاد شبهات درباره پیوند دین و سیاست و ولایت فقیه؛ و ادعای نقض حقوق بشر.

۲- محور رسانه‌های غربی در زمینه سیاست خارجی

سیاست و عملکرد ایران در قبال مسائل عراق؛ سیاست و عملکرد ایران در قبال بحران لبنان و فلسطین؛ سفرهای خارجی مقامات ایران از جمله رئیس‌جمهور؛ رابطه ایران و آمریکا و توصیه ضرورت ارتباط میان دو کشور؛ پرونده هسته‌ای ایران و مذاکرات ایران و غرب در این زمینه؛ اشاعه ادعای دروغین حمایت ایران از تروریسم؛ سفرهای مقامات خارجی به ایران؛ دروغ‌پردازی در خصوص مخالفت ایران با صلح جهانی؛ تبلیغ بی‌اعتنایی ایران به معاهدات و همکاری‌های بین‌المللی؛ ادعای باج‌دهی ایران به روسیه؛ فشارهای سیاسی به ایران در حوزه حقوق بشر؛ و فشارهای سیاسی بر ایران در حوزه مسائل خاورمیانه (مرادیان، ۱۳۹۰).

۳- محور رسانه‌های غربی در زمینه اقتصاد

خرده‌گیری بر خصوصی‌سازی اصل ۴۴؛ کاهش سود بانکی و تأثیرات آن؛ درآمدهای نفتی ایران و نوع استفاده از آن؛ صادرات گاز ایران به هند و ترکیه؛ مشکلات سرمایه‌گذاری خارجی در ایران؛ وابستگی اقتصاد ایران به صدور نفت؛ فرار سرمایه از ایران؛ و بزرگ‌نمایی مشکلات اقتصادی از جمله تورم و گرانی (دانشگاه دفاع ملی، ۱۳۹۱).

۴- محور رسانه‌های غربی در زمینه اجتماعی

محرومیت زنان از حقوق اجتماعی؛ بی‌کاری، اعتیاد و مشکلات آن در ایران؛ سوخت و بنزین و بلا تکلیفی‌ها در این زمینه؛ مشکلات ازدواج و جوانان؛ مشکلات دستگاه قضایی در ایران؛ نابه‌سامانی وضعیت اقلیت‌ها در ایران (نقیب‌السادات، ۱۳۹۱).

۵- محور رسانه‌های غربی در زمینه فرهنگی

نابه‌سامانی وضعیت علمی دانشگاه‌ها؛ پوشش اسلامی مانع رشد زنان؛ مغایرت فرهنگ اسلامی با حقوق و آزادی زنان؛ نابه‌سامانی وضعیت اقلیت‌های قومی؛ ترویج ارزش‌های غرب؛ نبود آزادی فکر و اندیشه در ایران؛ سانسور در تولیدات رسانه‌ای؛ در تعارض نشان دادن ارزش‌های اسلامی با فرهنگ ایرانی؛ ترویج آیین‌های انحرافی؛ تمسخر مراسم مذهبی؛ و تأکید بر ترویج خرافه‌گویی در ایران پس از انقلاب (گلشن‌پژوه، ۱۳۹۰).

۶- محور رسانه‌های غربی در زمینه حقوق بشر

بزرگ‌نمایی موضوع بازداشت‌شدگان؛ اعدام در ایران؛ حقوق کودک در ایران؛ حقوق زنان در ایران؛ آزادی مراسم مذهبی برای اقلیت‌ها؛ تبلیغ حقوق بشر غربی؛ آزادی بیان در ایران؛ و آزادی‌های مدنی (نقیب‌السادات، ۱۳۹۱).

نتیجه‌گیری

قدرت نرم، بنیاد، زیرساخت و جوهره‌ی اصلی امنیت همه‌جانبه‌ی یک نظام سیاسی است و فرهنگی نمودن امنیت جهانی در این چارچوب به عنوان شکل و ماهیت جدید امنیتی قابل توجه است. در این نگرش، راهبرد دستیابی به امنیت؛ قدرت نرم و تاثیر هنجاری بر دیگران است و جنگ نرم به عنون منبع و کانون اصلی تهدید در محیط امنیتی جدید به شمار می‌آید. با

نگاهی به نظریه های مختلف و بررسی چپستی، ویژگی و ابعاد گوناگون جنگ نرم می توان گفت که جنگ نرم پدیده ای است که جنبه های مختلف حیات انسان را در عصر حاضر تحت تاثیر قرار داده است. نظریه پردازان، محققان و نویسندگان، این فرآیند را به عنوان های گوناگون «جهانی سازی فرهنگ»، «استعمار فرا نوین»، «رهنامه جنگ کم شدت»، «استحاله و فروپاشی از درون»، «تافرمانی مدنی»، «انقلاب رنگین» و ... معرفی کرده اند. در رویکرد نرم که از آموزه های مطالعات نوین و معاصر امنیتی است، تلاش می گردد تامین منافع و مهار تهدید، از راه قدرت نرم انجام شود. در این راستا آموزه های لیبرالیستی در مطالعات امنیتی و روابط بین الملل، از جایگاه خاصی برخوردار است. هر چند گروهی، جهانی شدن را فرایندی طبیعی با هدف وحدت بخشیدن به جوامع انسانی معرفی می نمایند، ولی با رویکرد جنگ نرم، گروه دیگر این پدیده را فرایندی می دانند که در پی حاکم نمودن الگوهای رفتاری خاص، از سوی بازیگران و قدرت ها با اهداف مشخص مدیریت می شود. از این منظر، جهانی شدن به عنوان تهدید نرم امنیت ملی، پروژه ای طرح ریزی شده و جریانی یکسویه و تحمیلی از سوی کانون های قدرت، همراه با ماهیت سلطه است. از این دیدگاه، کانون های قدرت به دنبال یک الگو و ساختار رفتاری مشترک، فراگیر و جهانی در چارچوب هدف های ملی خود هستند. امروزه جنگ نرم، موثرترین، کارآمدترین، کم هزینه ترین و در عین حال خطرناک ترین و پیچیده ترین نوع تهدید علیه ارزش ها و امنیت ملی یک کشور است. ذهنی و غیر محسوس بودن، تدریجی بودن، ابهام آمیز بودن، پرمول و فراگیر بودن، غلبه بعد فرهنگی جنگ نرم بر ابعاد دیگر، پیچیدگی، بین رشته ای بودن و شمول گسترده ی بازیگران، مهم ترین ویژگی های جنگ نرم است.

منابع

۱. آقاداتاشی، آذر (۱۳۸۹)؛ کمین، نظری بر جنگ نرم، زنجان، نشر دانش زنجان.
۲. اسماعیلی، علی محمد (۱۳۹۰)؛ جنگ نرم در همین نزدیکی، تهران، نشر ساقی.
۳. الیاسی، محمد حسین (۱۳۹۱)؛ عملیات روانی آمریکا علیه ایران، در عملیات روانی و رسانه؛ تهران: نشر ساقی.
۴. بروجردی علوی، مهدخت (۱۳۸۰). دروازه بانی خبر چیست و دروازه بانان کیستند؟ در مجموعه مقالات روزنامه نگاری حرفه ای، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
۵. بیگلر، مهدی، مرادیان، محسن (۱۳۹۱) ارتباط مشارکت سیاسی مردم و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: مشارکت در انتخابات) پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره سوم، صص ۸۷-۱۱۵.
۶. جعفرپور، محمود (۱۳۹۰)؛ قدرت نرم: درآمدی بر جنگ های رسانه ای و رایانه ای، در قدرت نرم، ج ۱؛ تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۷. دانشگاه دفاع ملی (۱۳۹۱) تهدیدات رسانه ای و راهبردهای مقابله؛ تهران: انتشارات دعا.
۸. روحانی، حسن (۱۳۸۶) رسانه های گروهی و امنیت ملی، ماهنامه مطالعات راهبرد، شماره چهل و ششم.
۹. ضابط پور، غلامرضا و سیدمحمدجواد قربی (۱۳۹۰) جستارهایی در باب قدرت نرم و ارائه راهبردهای مقابله برای ایران.
۱۰. کازنو، ژان (۱۳۸۷) جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقرساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۱. گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۹۰) جنگ نرم، ویژه جنگ رسانه ای علیه جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران.
۱۲. گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۹) تحلیل و بررسی شبکه ماهواره ای من و تو، در جنگ نرم، ج ۶؛ تهران: ابرار معاصر.
۱۳. ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۹) گفتمان جنگ مجازی و رسانه های گروهی، در جنگ و قدرت نرم از نظریه تا عمل؛ تهران: نشر ساقی.

۱۴. متز، استیون و داگلاس، جانسون (۱۳۸۵) نامتقارنی و راهبرد نظامی امریکا؛ ترجمه محمد تمنایی، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، سال سیزدهم، ش ۴۵.
۱۵. متقی دستنایی، افشین (۱۳۹۲)؛ جنگ نرم و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، در جنگ و قدرت نرم از نظریه تا عمل؛ تهران: نشر ساقی.
۱۶. متقی، ابراهیم (۱۳۸۸)؛ مدیریت جنگ نرم در فضای عدم تعادل امنیتی؛ فصلنامه مطالعات بسیج، سال دوازدهم، ش ۴۳، تابستان.
۱۷. محمدی، علی (۱۳۹۲)؛ جنگ نرم در فضای رسانه‌ای و سایبری؛ زنجان: دانش زنجان.
۱۸. مرادیان، محسن (۱۳۹۰) جنگ نرم، پدافند نرم، در جنگ نرم عرصه دفاع ملی، به کوشش محمود عسگری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۹. مقدم، محمدحسین و جواد جمالی (۱۳۹۲)؛ نقش جنگ نرم در پیشبرد استراتژی‌های نظامی امریکا (بررسی موردی جنگ سلطه)، در جنگ و قدرت نرم از نظریه تا عمل؛ تهران: نشر ساقی.
۲۰. نائینی، علی محمد (۱۳۸۹) درآمدی بر ماهیت‌شنای جنگ نرم؛ فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، ش ۲۸، بهار.
۲۱. نقیب‌السادات، سیدرضا (۱۳۹۱)؛ تهدیدهای رسانه‌ای غرب و نقش بسیج در رفع تهدیدها؛ فصلنامه مطالعات بسیج، سال سیزدهم، ش ۴۸، پاییز.
۲۲. نصیری و دیگران (۱۳۹۰)؛ اقدامات رسانه‌ای امریکا و متحدانش در بحران‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران و تدوین راهبردهای مناسب برای مقابله با آن؛ تهران: دانشگاه دفاع ملی.

23. Adner, R., & Kapoor, R. (2010). Value creation in innovation ecosystems: How the structure of technological interdependence affects firm performance in new technology generations. *Strategic Management Journal*, 31, 306–333.
24. Fleming, P., & Spicer, A. (2014). Power in management and organization science. *The Academy of Management Annals*, 237–298.
25. Nye, Joseph (1990): *The Misleading Metaphor of Decline, the Atlantic*.

Media Soft War and Security – Political Strategy of Governments

Ghaffar Zarei¹, Mohammed Karimiyan²

1 Assistant Professor, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran. (Corresponding Author)

2 PhD student in Political Sciences, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran.

Abstract

Central core of international relationship is related to war domain, threatening to war and defending approaches against it. So the war issue and its different forms affected international atmosphere and the concept of (security). Today, applications of war are not limited only to hard and tangible tools but new practical tools are entered to the operating environment that have software nature and are more effective. Today, Media system is one of the tools that is helped to strategists and warlords in war period and even before it. Medias are the same as double – edge blade that from one side facilitate functions such as: notifications, awareness and civic educations by positive dimension, and on the other hand by using negative dimension in the media software and new international wars for crisis, tension and superiority on the people's minds and hearts by political approach. By entering to ((media imperialism age)) and ((media hegemony cartels)) the importance of media is increased in access to goals and this developing ability is consorted with military goals and created the new dominations of war as ((Media war)) or media war.

Key words: Soft War, Media War, Security-Political Approach
